

فرهنگ

<div><div>📅</div><div><div>یکشنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۳</div></div></div>
<div><div>📰</div><div><div>شماره ۴۱۸۵</div></div></div>
<div><div>🌐</div><div><div>FARHIKHTEGANDAILY.COM</div></div></div>
<div><div>🌐</div><div><div>FARHIKHTEGANONLINE</div></div></div>

<div><div>📰</div><div><div>فرهنگ</div></div></div>
--

اینکه تعامل شما با حوزه فرهنگ در نقطه احسن قرار داشته است، چرا در فضای رسانه‌ای بازناب نشد؟

آقای هنرپیشه درجه یکی آمد و گفت درباره بازگشت یک هنرمندی به کار، قبلا کارهایی انجام گرفته است، ولی بدون سروصدا بود. به من می‌گفت این کار را انجام دهید. گفت می‌خواهم این هنرمند را پیش شما بیاورم. من این هنرمند را به یاد نداشتم. جست‌وجو کردم و دیدم همه پوسترها و عکس‌های فیلم قبل انقلاب است. بعد از اینکه آمدند، گریه کرد و گفت اجازه کار در ایران را به من نمی‌دهند و می‌شود تاثیری داشته باشیم و دو ماه هر شب، این تئاتر زنده روی صحنه بود.

که البته آن اجرام حاشیه شد.

بله، پای حاشیه آن هم ایستادم. برای همین ویدئویی هم پر کرد و از آقای رئیس‌جمهور و من تشکر کرد. ویدئو را دارم و آن هنرمند معروف گفت من این را در کانال خود منتشر کنم که بالای ۱۰ میلیون فالوور دارد که حتما برای ما آورده زیادی داشت و برای بزی ما مایود، هر چند رابلا و یاپین کردم دیدم امر نسفانی می‌شود و منتشر نشد. در حالی که وظیفه من بود، این کار را انجام بدهم.

تصور عمومی این است هنرمندان سعی می‌کنند نسبت به دولت سیزدهم و مدیران فرهنگی‌اش، فاصله‌گذاری خود را حفظ کنند، یعنی این خواسته از جانب آنهاست. این گزاره درست است؟

اتفاقی در کشور افتاد، این افراد احساس می‌کردند میزان سرمایه اجتماعی حاکمیت، پایین آمده است. برای همین اتصال به دولت ممکن بود برای آنها امتیازی نداشته باشد! یا اینکه باعث اذیت او شود. من در حوزه فرهنگ کاملا منطبق بر نگاه نظام کار کردم و این افراد نگاه‌شان این است، اگر با اسماعیلی دیده شوم فردا در فلان موضوع، صنف خودم من را طرد می‌کنند. اتفاق اینچنینی درحال شکل گرفتن بود. تئاتر هم شده بودلٹی هادیده‌نشوندو یادولت سریک میزناییند. این حرف‌ها بود و این را می‌فهمیدیم. اما در مقابل به خودم اجازه نمی‌دادم این قصه باعث شود کار این فرد را حل نکنم. نمایندگان مجلس به اتاقم می‌آمدند مثل همیشه عکس می‌گرفتم و خیرتقیه می‌کردیم ولی وقتی هنرمندان می‌آمدند حق حضور عکاس در اتاق من نبود. در سه سال گذشته یک عکس از هنرمندان در اتاق من نمی‌بینید. می‌خواهم بگویم این رویه ما بود.

هیچ‌وقت فکر نکردید از حسن تعامل شما سوءاستفاده می‌شود؟ خاطره‌ای هم که از حمید فرخ نواز منتشرشده این سوبروداشت وجود دارد که ممکن است برخی هنرمندان با همین رویه یا دولت برخورد کرده باشند.

اگر یکی، دونفر سوء استفاده می‌کنند حق ندارم ده‌ها نفر را از پیگیری و حق آنها محروم کنم. فضا را بازمی‌کنیم دونفر هم سوء استفاده کنند.مشکلی نیست.بالاخره کار،۲۰۰ نفر دیگر افتاده است. قرار است من چه کارکنم؟ تعریف و تمجید کنند که من چه کارکنم؟ من برای این کارها هیچ‌وقت به خودم حق ندادم از نیاز مردم به عنوان فرصت رسانه‌ای استفاده کنم و هیچ وقت به کسی هم اجازه ندادم در وزارتخانه این کار را انجام دهم. ۹۹ درصد از اهالی رسانه هم مطلع نبودند، فالتی به دفتر من آمده و رفته است. پنج‌ونیم صبح از خانه بیرون می‌آمدم و تا۱۲ شب در دفتر کار هستم. محافظینم و بچه‌های دفتر شیفت عوض می‌کنند ولی من همچنان هستم. برخی مواقع همین معاونان من گله می‌کنند. فالتی گفته است دوماه قبل، پیش وزیر رفتم و چزا به ما نگفتید.امن هم درپاسخ می‌گویم اگر می‌خواستند شما بدانید که خودش می‌گفت، یعنی می‌خواهم بگویم وضیعت این‌طور بود. من حق ندارم به عنوان یک مدیر در مکتب دینی، از نیاز آنها برای خودم فرصت ایجاد محبوبیت کنم، حتی اگر در دل و نگاه آنها اینچنین باشد که می‌خواهند با عکس یادگاری ما پز بدهند. من کلان‌این را قیچی کردم. الان هم که دولت تمام‌شده هیچ مهم نیست! اولاً نوزد خدا باید کار کنیم و برونزه داشته باشیم. من وزیر هستم و مردم می‌آیند و می‌روند. سه‌ماه دیگر هم ممکن است ۹۰ درصد اینها جواب سلام من را ندهند. طبیعی است. شهرت همین است. در خیابان الان می‌روید وزیر هستید و یک‌سال بعد ۵۰ درصد مردم شما را فراموش می‌کنند. آیا ارزش این را دارد که آخرت خود را برای این دوروز خراب کنم؟ نگاه ما این بود.

پس علاقه‌ای به این نداشتید تصویر واقعی از خودتان و وزارت ارشاد نشان دهید و این حسن تعاملی‌را که دارید همه ببینند؟

به‌رحال اگر امروز از هنرمندان پرسیدم، قطعاً تصویر سال ۱۴۰۰ را نسبت به مدیران فرهنگی دولت سیزدهم ندارند. مثلاً من به صندوق پیشکسوتان در مشهد که برنامه‌ای برگزار کرده بودند، رفتم و همه بزرگان حوزه فرهنگ و هنر آنجا بودند. ماجرای رفتن ما این بود که درایوش ارجمند و دیگران اصرار داشتند ما در جلسه حضور داشته باشیم. سالن برنامه پر بود و من ساعت ۹ شب، سوار هواپیما شدم و تا ۳:۰۰ به برنامه رسیدم که در طریقه بود. ۱۲ شب هم برگشتم. ببینید چطور رفتم و برگشتم! لطف خود این جماعت بود که عکس بزرگی از ما زده بودند و تک‌تک امضا کردند. این منتشر شد و کلی به اینها فحش دادند. اینها چه گناهی کرده بودند؟ این ماجرا برای شهریور ۱۴۰۱ بود و اتفاقات آن سال پیش آمد. اگر قرار باشد یک عکس منتشر شود که فرد این چنین فحش بخورد من قبول نمی‌کنم. الان شما بدانید من با صنوف مختلف فرهنگی و هنری جلسه برگزار کردم و اگر بخواهم با شؤف و کار رسانه‌ای مساله را جلو ببریم، چیزهایی دست‌مان است. الان دوهزار و ۲۰۰ واحد مسکونی برای اهالی فرهنگ و هنر می‌سازیم. کار من ساختمان‌سازی نبوده است ولی صندوق را وادار کردم که زمین‌هایی را تبدیل کنیم. ۱۰ بار با وزیر راه نشستیم و جلسه داشتیم. الان ناراحتی من این است که یکبارہ دچار تغییر مدیریت شویم و این بخواید و بعد بگویند این کار اسماعیلی بود و



این را ادامه ندهید. چون از این موارد در کشور کم نبوده، مثلاً ممکن است یک نفر مصاحبه کند و بگوید کارهایی که شده شؤف بوده و زمین‌ها فلان مشکل را داشته است. به همین دلیل گفتم‌ما گزارشی این روزها آماده‌کنند و کارهایی‌را که قرار بود تا پایان دولت انجام شود لیست بدهم که فردا مردم و اهالی رسانه خودشان بگویند، مثلاً پروژه «آسمان هنر» چطور شد؟ بدانند که زمین‌ها را اسماعیلی فروخت، هزارمیلیارد از سازمان برنامہ گرفت و سه‌هزارمیلیارد با بانک رسالت به تهاتر رسیدند و نقشه‌نیز آمد و باید پنج‌ساله ساخته می‌شد و بزرگ‌ترین مجموعه فرهنگی و هنری کشور شود. این باید مطالبه شود. برخی می‌گویند سیاست ما ساختمان‌سازی نیست. در همین زمان که می‌خواستیم این پروژه را جلو ببریم، خیلی از دوستان حزب‌اللهی می‌گفتند در نهایت اینها دست افرادی می‌افتد که ممکن است در آن مسائلی ایجاد شود که خلاف است. اما می‌گفتم این ساخته شده و نباید به‌خاطر این مسائل تعطیل کنیم. هنر من این است که بتوانم این را بسازم و محتوای خوب در آن تهیه‌شود.

در بین مدیران فرهنگی بعد از انقلاب شما منتهی‌الیه رواداری نسبت به جریان‌های هنری داشتید و از خواننده‌های نام‌بروید که مدت‌هاست در خارج از ایران است. چه شد که از همین خواننده‌ها بریدید و گفتید می‌تواند در ایران کنسرت برگزار کند؟ اصلاً برگزاری کنسرت همین‌تا چه مرحله‌ای پیش رفت؟

اصل اظهارنظر از یک سوال و پرسش معمولی درآمد. اولین بار در تالار وحدت خیرنگار خبرگزاری برنا این را پرسید. گفت ایشان می‌تواند به ایران برگردد؟ گفتم هر ایرانی‌ای می‌تواند برگرد. گفت می‌تواند برنامه داشته باشد؟ گفتم مطابق با قانون باید باشد. از این سوال و پرسش بسیار بود، برخی جریانات که کج‌اندیش هستند به من توهین کردند و به دولت توهین کردند که اینها می‌خواهند با اسم یک هنرمند برای خود کسب موقعیت کنند. اینکه ایشان تمایل به بازگشت دارد درست است و خیلی مواقع اعلام کرده و ما هم موافق بودیم. نه‌تنها با ایشان، بلکه با هر هنرمندی که بخواهد بازگردد.

با همین تماس یا گفت‌وگویی داشتید؟

من تماس نداشتم.

از سمت مدیران وزارت ارشاد چطور؟

خیر، تمایل ایشان بعد از این بحث‌ها به دست ما رسید و سوال شد که منعی دارد؟ ما هم گفتیم منع قانونی ندارد و ایشان هر وقت خواست می‌تواند بیاید. نه‌تنها ایشان که هر کس دیگر می‌تواند بیاید.

به لحاظ راهبردی این را درست می‌دانید هنرمندانی که رفته‌اند بازگردند و فعالیت خود را ادامه دهند؟

بسیاری از هنرمندان و چهره‌هایی که الان مورد احترام ما هستند، فیلم‌هایی داشتند که بعضاً صحنه‌های غیررژشی داشت و ناهنجاری هم در آن بود. بعد از انقلاب فضای بازگشت بازبود و خیلی‌ها به‌طور عادی فعالیت خود را ادامه دادند. هنرمندی رفته و خطایی هم کرده، باید تابید راه‌او برای بازگشت بسته باشد؟ از نظر من جز افرادی که چهار جرائم امنیتی شدند و آن هم جرائم خصوصی بقیه‌مشکلی ندارند. بنده خدایی می‌خواست برگردد که برونزه شخصی متوجه داشت. ربطی به حوزه فعالیتش نداشت. در زندگی شخصی او مساله‌ای پیش آمده بود و باید آن را حل‌وفصل می‌کرد. مساله او ربطی به دولت و حاکمیت نداشت. در اولین نشست خبری آقای رئیس‌ر دولت، همین مطلب بیان شد. مگر از هنرمندانی که رفتند چند درصد مسائل سیاسی و امنیتی دارند؟ در همین زمان هنرمندی داشتیم که به خارج از کشور رفته و مشکوفه بازی کرده و اظهار پشیمانی کرده و برگشته است و الان هم در فیلم‌های ما حضور دارد و بازی می‌کند. این هم مثل آن هنرمند است. چه اشکالی دارد؟ من خودم روحانی هستم و آخرت خود را به این شکل فدای یک موضوع دنیوی نمی‌کنم. آقایی می‌گوید من اشتباه کردم. یکی از همین هنرمندانی که می‌خواست فعالیت کند، ما کمشکر کردیم کار کنند. یک‌مجموعه‌ای تمام فیلم‌هاو عکس‌های مستهجن قبل از انقلاب او را برای مجامع مختلف ارسال کرده بود که فالتی چنین فردی را دارد می‌آورد. گفتیم این برای ۴۰ سال پیش است و الان می‌گوید من اشتباه کردم. خداوند متعال سنارالعیوب است. حدیثی از پیامبر اکرم (ص) هست که می‌فرماید اگر با افراد برای همدیگر مشخص شود هیچ‌مرده‌ای دفن نمی‌شود. این حدیث عجیبی است. طرف می‌گوید من اشتباه کردم، ۲۰-۱۰ سال پیش بود و این را قبول نمی‌کنند.

برخی اعمال منافی عفت است و دادگاه می‌خواهد رسیدگی کند اما اگر طرف قبل از دادگاه توبه کرده باشد دادگاه موظف است حتی اجرای حد را از او ساقط کند. طرف می‌گوید من توبه کردم. حالا طرف، یک گناه صغیره یا کبیره‌ای کرده و ۱۰ دفعه می‌گوید اشتباه کردم. جریمه کنید، دو سال بگویند ممنوع‌الکارید. هر چیزی یک ما به ازایی دارد. می‌گویند حق ندارد به ایران بیاید و حق ندارد فعالیت داشته باشید. شما دیدید آقای عباس قادری آمد و حاج آقا را دید. ۴۵ سال در کشور نشستہ و رفته است. آقای جواد بسازی هم همین‌طور بود. مگر من اینها را رسانه‌ای کردم؟ آقای یساری سال ۱۴۰۱ نزد من آمد و بعد در شبکه نمایش خانگی اجرا کرد. مگر من گفتم پیش من آمده و من مجوز کار ایشان را دادم؟

شما به مردمی‌سازی اشاره کردید. در برنامه‌هایی که داشتید و به مجلس دادید از عدم تصدی‌گری دولت صحبت کردید اما یک نکته وجود دارد. در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، نمایشگاه‌های کتاب با کمک تشکل‌های نشر برگزار شد؛ کمک کردند و می‌دیدم در اجرا با وجود ضعف‌هایی که وجود داشت اما این برون‌سیاری انجام شد. ولی در دولت سیزدهم وقتی با تشکل‌های نشر صحبت



می‌کنید، می‌توان گفت به سمت ضعیف شدن رفتند و حتی در نمایشگاه‌های کتاب از آنها استفاده‌ای نشد و هروقت با آنها صحبت می‌کردیم می‌گفتند ما می‌توانیم کمک کنیم و حاضریم کمک کنیم. این‌طور نبود که بگویم اینها فخر کرده‌اند و رفته‌اند و هیچ‌کسی از آنها استفاده‌ای نمی‌کند. واقعا می‌خواستند کمک کنند. اگر در مورد این صحبت کنید خوب است. بحث دیگر درباره شفافیت مالی است. در دولت وقتی نمایشگاه کتاب برگزار می‌شد یک لیستی منتشر میشد. کاری ندارم در این لیست ممکن بود اعداد اشتباه باشد یا نباشد. اما واضح و شفاف مشخص بود که در نمایشگاه هر کسی چه کاری انجام داده و با جزئیات منتشر می‌شد اما در این سه‌سال ما هر چه قدر پرسیدیم، هر قدر خواستیم و خواهش کردیم بگویند چطور نمایشگاه را برگزار کردند و چقدر هزینه شده، هیچ‌وقت هزینه‌ها را منتشر نکردند و هیچ‌گاه این شفافیت وجود نداشت. البته در مورد جشنواره‌های فیلم فجر و کلیت سینما هم این مورد وجود دارد که هیچ‌گاه شفافیت مالی اعلام‌نشد.

در مورد بخش دوم سوال شما باید بگویم تاکنون هیچ‌گاه از من این سوال‌را نپرسیدید. از من می‌پرسیدید این اطلاعات را می‌گرفتم و به شما می‌دادم. الان هم می‌گیرم و به شما می‌دهم. بحث این است که به لحاظ قانونی هر آنچه تکلیف ماست انجام دادیم. نمی‌خواهم کسی را متهم کنم ولی همه می‌دانیم ده‌ها دستگاه نظارتی در سیستم داریم. سازمان بازرسی قبل از اینکه کاری انجام شود آنها بررسی می‌کنند.

بحث ما فانغ از این است که بگویم مشکلی بوده، بلکه می‌گوییم رسانه وقتی می‌گوید این کار را کنید، برای شفافیت است. موافق گزارش می‌نویسیم. می‌بینیم یک عملکرد هشت‌ساله‌ای وجود دارد اما در این سه‌سال هیچ‌اماری نیست. احمدوند، معاون فرهنگی شما در جلسه‌ای گفت نمایشگاه کتاب به سووده‌هی رسیده، یعنی درآمد‌ها بیشتر از هزینه شده است. این موردی است که به خوبی می‌تواند در دولت به‌عنوان دستاورد مطرح شود.

معاونت‌های مختلف ما این کار را تا وقتی که مسئولیت را تحویل بدهند انجام می‌دهند. این مطلب درستی است. آنها مسئول ۱۸هستند که برای شفافیت است. اگر از معاونت‌ها سوال می‌کردید موظف بودند به لحاظ قانونی جواب بدهند. حتی اگر به عنوان شهروند سوال کنید. ده‌ها مورد بوده که کسانی از ارشاد این را خواستند و من دادم. هر ماه آقای مهدی پور این را گزارش می‌دهند. الان هم در مجموعه ما در هیات‌مدیره موسسات فرهنگی حضور دارند. از نظر قانونی موظف هستیم جواب بدهیم. همین‌الان اگر سوال‌هایتان را در سامانه ثبت کنید، ما یک ماه فرصت داریم به شما پاسخ دهیم. این قانون توری نیست که بگویم قبلاً بوده و الان هست. بخش اول پرسش شما در مورد تشکل‌های نشر که گفتید قدیانی و دیگران مسئولان سیاست‌گذاری‌اش در این سال‌ها بودند. من خودم بخشی از کارها را به این افراد واگذار می‌کردم. نمی‌دانم منظور شما از این کار چیست، یعنی ما برگزارکنیم و دست اینها باشد؟ تقسیم کاری بود و اولویت‌بندی می‌شد. شما می‌توانید پرسید که بیشترین جلسات را با صنوف نشر داشتیم.

اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران یکی از صنوف بسیار فعال در حوزه نشر در دولت‌های قبلی بود. بحث معافیت مالیاتی کتابفروش‌ها از آنجا شروع شد اما واقعا در این دولت تعامل با این نهاد صفتی بسیار کم شد.

موارد خاص را الان اشراف ندارم. معاونت ما باید این کار را می‌کرد یا نمی‌کرد باید بهرسم ولیکن من که رئیس شورای سیاست‌گذاری بودم در هر نمایشگاه اعم از نمایشگاه قرآن و کتاب همیشه تعدادی از صنوف با ما همراهی داشتند. مثلاً سال ۱۴۰۲ که بحث‌های فتنه بود اکثراً حتی اعضای شورای معاونان ما می‌گفتند به شهر آفتاب برویم اما همین آقای قدیانی می‌گفت اگر بروید بخش خصوصی متضرر می‌شود. می‌گفت ما اصرار داریم در مصلی باشد. همه دستگاه‌ها حتی دادستان کل کشور نامه زدند که اینجا بروز ناهنجاری می‌شود. بهتر است اینجا برگزار نکنید. می‌دانید معنی این حرف چیست؟ یعنی مخالف چنین نتیجه‌ای دارد اما شما این کار را کردید. من فقط بخاطر بخش خصوصی و اتحادیه بود که در مصلی برگزار کردم و خیلی هم برای ما سخت بود ولی برگزار کردیم. در این سطح همکاری بود که حتی در مورد مکان با نظر اینها انجام شد. با وجود اینکه همه دستگاه‌ها حتی نهاد‌های امنیتی مخالف بودند و می‌گفتند ممکن است اتفاقی بیفتد. می‌گفتند از چند جهت درها باز است و همه می‌توانند وارد شوند و اگر اتفاقی بیفتد می‌توانید جواب بدهید؟ ما این خط‌پذیری را کردیم ولی حرف مجموعه مردمی را گوش دادیم.

رویکردی که در برنامه وزارت ارشاد دولت سیزدهم اشاره کردید پرهیز از دخالت و تصدی‌گری دولت است. چون مرتبط با این سوال است می‌پرسم. در مورد این دولت این اتهام را مطرح می‌کنند که فرهنگ را دولتی کرده است. به هر حال دولت ورود جدی به تولیدات سینمایی داشته است و ما جشنواره‌ای را پشت سر گذاشتم که ۷۰ درصد از آثار سینمایی یا پول دولت ساخته شده بودند. اگر این را به‌عنوان یکی از گزاره‌های دولتی شدن فرهنگ در نظر بگیریم، می‌توان گفت که ریل‌گذاری دولت شما در حوزه فرهنگ به‌گونه‌ای بوده که دیگر بخش خصوصی به تولید صنایع فرهنگی تمایلی نداشته باشد؟

خیر. موافق نیستم. اینها می‌گویند دولت نباید در حوزه فرهنگ حضور داشته باشد. ما با هم اختلاف ذاتی داریم. من معلم دانشگاه هستم. درس دکتری

سیاست‌گذاری فرهنگی دارم. همین‌ترم در دانشگاه چند دانشجو نخبه‌ی دانشگاه

تهران پایان‌نامه‌های خود را با من دارند. اینها معتقدند دولت بی‌معنی است، دولت

فرهنگی و فرهنگ دولتی اشاره به این دارد که دولت حق دخالت در حوزه فرهنگی

را ندارد. ما در اندیشه انقلاب اسلامی این را قبول نداریم. این را با صراحت بیان

می‌کنم و ابایی ندارم. دولت وظیفه‌تعمیر یکپاره‌ی حوزه فرهنگ را دارد. این را نمی‌تواند

واگذار کند. این از شئون حاکمیتی است.

اما از نقش تنظیم‌گری فراتر رفتید.

مثال بزنید.

مثلاً تولیداتی که در فارابی داشتید.

در آنجا از چه کسی حمایت کردیم؟ مثلاً یک فیلم دفاع مقدس ۴۰ میلیارد هزینه دارد کدام بخش خصوصی هزینه می‌دهد؟ این جزء هویت ملی ماست. ما این را هزینه کردیم.

کدام فیلم منظور شماست؟

مثلاً فیلم شاه‌خاتم‌حسینی.

شما واقعا از آن فیلم دفاع می‌کنید؟ فیلم‌خاتم‌حسینی با هزینه‌بالایی که شما اشاره می‌کنید ۴۰ میلیارد بود، واقعا یکی از مواردی است که به آن خیلی انتقاد شده است. این را مثال می‌زنم. ایرادی ندارد. هر بازیگر، هر کارگردان، هر تهیه‌کننده‌ای یک فیلم خوب دارد و یک فیلم بد دارد. هر فیلمی خیلی خوب در نمی‌آید. البته من قضایوتی ندارم.

اما مطلع هستیم مجموعه دلسوزانی که در حوزه هنر و سینما هستند مشورت دادند که خاتم‌شاه‌حسینی با توجه به کیفیت که تولیدات‌شان قبل از این داشت، نباید مشمول حمایت‌های دولتی شوند.

این دفعه ۱۱فیلمساز جوان فیلم‌اولی داشتیم. از بین فیلم‌های جشنواره ۱۱فیلم‌کار فیلم‌اولی بود. این را ببینید!کل حضور دولت به زیر ۵۰ درصد می‌رسید. مشارکتی هم بود. مثلاً بچه‌های راه، «آپاراتچی» و… را کمک کردیم. آپاراتچی خیلی فیلم خوبی است. کتابی بود و تبدیل به فیلم شد. سینمای اقباسی را تقویت کردیم. «باغ‌کیانوش» هم برای من حالت‌ندامی خاطراتی فیلم‌نساخته است. بلکه سریال ساخته‌هواپیما بود ولی این اتفاق آنجا رخ داد. برای من کاملاً نداعی‌کننده دوران کودکی بود. ما بچه‌های زمان جنگ هستیم. این ساخته شده و کار اولی بود. من اگر از اینها حمایت نکنم، چون همه چیز در سینما گران شده و ورود نمایش خانگی یکی از مشکلاتی که ایجاد کرده همین موضوع گران شدن سینما است. شما همیشه از انتهای کار می‌بینید. چرا این میزان گران شده است؟ چرادست‌مزد افزایش یافته است؟ یک‌مجموعه‌های شبه‌دولتی به اسم بخش دولتی یا زارت‌هایی که در اختیار آنها قرار گرفته شد کردند. الان بودجه ساخت سریال آنها بالای دو هزارمیلیارد است و ما ۱۰۰۰ میلیارد در سازمان سینمایی داشتیم. این هم بخش خصوصی بود ولی او در بخش خصوصی فیلم‌نساخته است. نگاه اقتصادی دارد. اینها باعث تضعیف شده است. اگر در فارابی دخالت نمی‌کردیم، اگر فارابی را وادار نمی‌کردیم در ۱۷-۱۶فیلم مشارکت کند، این فیلم‌ها ساخته نمی‌شد. فلسفه فارابی همین است. من دیگر دخالت نمی‌کنم. اتفاقی که می‌افتد این است که ده‌ها آدمی که می‌توانستند کار تولید کنند دیگر نمی‌توانند کار کنند؛ وگرنه می‌شود گفت همین الان فیلمو چقدر هزینه دارد؟ به جای این همه سریال دو فیلم سینمایی بسازد.

یکی از مواردی که به این دولت انتقاد شده‌من بود که نحوه حمایت از تولیدات به صورت بروسه و فرآیند نبود بلکه رویدادی نگاه می‌کرد. در جشنواره فیلم فجر انوبه تولیدات دولتی را داشتیم اما در اکران به فیلمی همچون فسیل صبریی داده می‌شود که فسیل دیده‌شود. برای حمایت از فیلم سینمایی فقط در قسمت تولید نیست که مثلاً ۴۰ میلیارد هزینه نمود. باید در قسمت اکران هم این حمایت انجام شود.

قبول دارم. نکته درستی می‌گویند. وقتی بحث وارد انجمن سینماداران می‌شود، ابعاد خاصی پیدا می‌کند. انجمن سینماداران بیانیه‌ای دادند که می‌خواهیم تعطیل کنیم؛ چراکه در حال ورشکستگی بودند. آنجا بخش خصوصی وارد می‌شود و باید بچرخد. فیلم را که به آنجا می‌برم، ۱۰ هزار نفر بازدید می‌کنند و یک فیلم دیگر ۷ میلیون نفر. مذاق عمومی این‌گونه فیلم‌ها را در عرضه عمومی نمی‌پسندد. آیا ما تنها راهی که برای نمایش فیلم داریم سینماست؟ تولید می‌کنید و از طریق سینماسپاران اکران می‌کنید. سینماسپار در مناطق محروم و مدارس اکران شود. در مدارس رنگ سینما را اندازی می‌کنیم. اکران عمومی اما بخش اقتصادی سینماست و اقتصاد که می‌آید محاسبات خودش را وارد می‌کند. در فومن سینما دارمی‌گوید در تاریخی که من سالن سینما دارم، چنین سودی نکردم که امسال کردم. حال‌من بگویم شما که در فومن نشستہ‌اید حق سود کردن ندارید؟ حالا مثلاً شما می‌گویید باید فیلم خاتم‌شاه‌حسینی را در نوبت اکران بگذارید. اینکه دخالت بیشتری است. من تولید را دامن می‌زنم و در عرضه آنجایی که می‌خواهد اقتصاد بچرخد بر حسب قواعد اقتصادی تلاش می‌کنم مدیریت کنم، نه مدیریتی که دخالت شود. در حد چپش کار باشد. بقیه را با استفاده از ابزارهای دیگری که دارم به افکار عمومی عرضه می‌کنم. با آقای صحرايي تفاهننامه اعضا کردم برای ۱۶ میلیون دانش‌آموز که رنگ سینما را اندازی کنم. در رنگ سینما فسیل را نمایش نمی‌دهم، بلکه بچه‌ز رنگ را نمایش می‌دهم. سیاست‌گذاری مهم است. مهم این است که رنگ سینما شکل بگیرد که از اسمال قرار بود شکل بگیرد و در دانش‌آموزی دو ساعت به سینما برود. ما طبق این برنامه ۵۰۰۰ سالن را در آموزش و پرورش مجزه به امکانات استاندارد نمایش می‌کردیم. سینما را به صورت نصف قیمت گذاشتیم. از ۸ صبح تا ۱۲ ظهر بود. همه اینها را انجام دادیم. در مورد این کارهایی که شما گفتید و مثلاً مضامین فلسفی دارند هم من فیلم‌ها مون، آقای مهرجویی را بچه‌بودم و دیدم هیچ چیز از فیلم نفهمیدم. اگر آن موقع «عقاب‌ها» را گذاشته بودند من عقاب‌ها را می‌دیدم. همین است که ما دو ماه جلوی سینما راه روقتم که ببینیم افعی را برمی‌دارد یا خیر. من باید دسترسی‌ها را آن‌سما کنم و در شبکه‌کانون پرورش فکری متناسب سن مخاطبان، فیلم اکران کنم.